



بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام(ص)، مسلمانان به‌علت‌های مختلف، گرفتار اختلافات اعتقادی و سیاسی شده و بتدریج به فرقه‌های متعدد تقسیم شدند. این اختلافات مذهبی و فرقه‌ای با گذشت زمان، باعث نفوذ تدریجی دشمنان اسلام شد و در راستای تحقق منافع این قدرت‌های شیطانی، موجبات درگیری‌های فیزیکی و قتل و کشتار را در میان پیروان مذاهب اسلامی فراهم آورد. این در حالی است که پیروان این مذاهب می‌توانند با حفظ مبایلی مذهبی خود، به آیات قرآن کریم و احادیث نبوی تمسک جسته و فضای برادری و انسجام عملی را در میان خود به وجود آورده و دشمنان اسلام را از غلبه بر مسلمانان، مأیوس و ناامید کنند. ولی با کمال تأسف، نادانی برخی مسلمانان از کسبو و نفوذ دشمنان در میان مسلمانان از سوی دیگر باعث شده زمینه تسلط دشمنان اسلام بر کشورهای اسلامی فراهم شود و جهان اسلام در معرض خطر جدی قرار گیرد. امروز طعم تلخ این اختلافات را همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی و سایر فرقه‌های اسلامی در کام خود می‌چشند و آثار مخرب و مرم‌گیر آن را نظاره‌گرند. طبق فرمایش مقام معظم رهبری، امروز دنیای اسلام که از جهت ذخایر مادی، انسانی، فکری و تاریخی یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های جهان است، بیش از همیشه نیازمند وحدت و تقرب است. متمرکز و جهت‌گیز شدن تلاش‌ها و توان‌ها و به جریان انداختن آن در سمت و سوی نجات امت اسلامی، هدف و آرزوی هر مسلمان خیرخواه و دلسوزی است و باید دانست این هدف، جز در سایه نزدیک کردن دل‌ها، فکرها و ایمان‌ها، دست یافتنی نیست. ۲ مرد بزرگ جهان اسلام بیش از نیم قرن پیش، فکری و تاریخی یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های جهان است، بیش از حد کمال عظوفت و پهلادین را داشته باشند.بنابر این پیروان مذاهب اسلامی باید بر محوریت ایمان به رسول خدا(ص)، فاصله‌ها را از میان خود برداشته و زمینه تقرب مذاهب را فراهم کنند؛ چه اینکه در عصر حاضر، خطر دشمن بیش از هر زمان دیگری مسلمانان را تهدید می‌کند. سوی ارزش ذاتی تقرب مذاهب اسلامی با قطع نظر از خطر دشمنان اسلام، خود وحدت مسلمانان نیز ارزش ذاتی دارد. مقام معظم رهبری در این‌ رابطه می‌فرماید: «گر وحدت و نزدیکی فرق اسلامی چیزی است که در خدمت اسلام می‌باشد و اگر قبول داریم که اتحاد مسلمین به حال مسلمین مفید است و در جهت عظمت اسلام می‌باشد، یقیناً باید معتقد باشیم از سوسی دشمنان اسلام، سخت‌ترین تلاش‌ها و پیچیده‌ترین توطئه‌ها علیه این وحدت و اتحاد در جریان است. این دو از هم فراقبل افتکاک است. امروز هر چیزی که در جهت تقرب مذاهب است از نظر دشمنان اسلام بیشتر می‌باشد. امروز هر چیزی که بیشتر در جهت عظمت اسلام باشد، بیشتر هم مورد تهاجم دشمنان اسلام است. این، یک معادله قطعی است.»(سخنرانی در تاریخ ۱۳۶۸/۷/۲۴)
ایه شریفه «فَلَقَدْ جَاءَكَ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ»(توبه/۱۲۸) می‌فرماید: «به یقین، رسولی از خود شما به سوی‌تان آمد که نرنج‌های شما بر او سخت است و اصرار بر هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان، رؤف و مهربان است.» هر گونه بهانه را برای ایجاد اختلاف، تفرقه و تنفر از هر مسلمانی می‌گیرد. پیامبری که تحمل مشقات و نرنج‌های امت بر او دشوار است، اختلافات مسلمانان و خصومت‌ها و خونریزی‌هایی که در جامعه اسلامی به علت اختلاف پیروان مذاهب اسلامی تحقق پیدا می‌کند، به مراتب ایشان را غمگین کرده و باعث عدم رضایت آن حضرت از مسلمانان می‌شود. به یقین ناامنی‌ها و اختلافات و دوری مذاهب اسلامی از همدیگر نه‌تنها باعث نفوذ دشمنان در میان مسلمانان شده، بلکه باعث شده جامعه اسلامی در برابر دشمنان خوار و ذلیل شود. قرآن کریم، اثر شوم اختلاف را چنین بیان می‌کند: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَعَشَاُوا وَ تَذَهَبَ رِيحُكُمْ»(فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایند! و نزاع و کشمکش) نکنید، تا نسبت نشوید، و قدرت و شوکت شما از میان نرود!»(انفال/۴۶). با توجه به این آیه، اختلاف و تفرقه در میان مذاهب اسلامی، به خودی خود یک پدیده شوم است که نه خداوند متعال به آن راضی است و نه پیامبر گرامی اسلام(ص) و نه با هیچ آموزه دین مبین اسلام موافق است. بنابراین وحدت و تقربیی که زمینه اختلافات غیرمعتقول را از بین می‌برد، به طور ذاتی ارزش بسزایی دارد.

■ **دشمنان اسلام عامل اختلاف‌افکنی بین مذاهب اسلامی**

مقام معظم رهبری درباره نقش دشمنان اسلام در راستای اختلاف‌افکنی بین مذاهب اسلامی چنین می‌فرمایند: «در زمان حال، برای اینکه مسلمین با هم متحد و متفق نباشند و علیه هم کار کنند، تلاش‌های مضاعفی انجام می‌گیرد. این تلاش‌ها به خصوص در وقتی تشدید پیدا کرده که نیاز مسلمین به وحدت، بیش از همیشه است، به تصور خیلی نزدیک، با تقویت، انگیزه تلاش‌های دشمنان این است که از تحقق آرزوی سیادت و حاکمیت اسلام که امروز به مراحل عملی نزدیک می‌شود، جلوگیری کنند.طبیعی است‌اگر اسلام بخواهد حاکمیت پیدا کند و مسلمین در دنیای اسلام بخواهند به اسلام تمسک کنند، با این اختلافات امکان‌پذیر نیست. فاجعه‌آمیزترین مانع در راه حاکمیت و سیادت اسلام این است که مسلمین را در درون جوامع اسلامی چه در یک کشور، چه در کشورهای متعدد اسلامی- فرقی نمی‌کند- به جان هم بینازند.»(سخنرانی در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۱) دشمنان و پیروان

راه باطل در میان جهان اسلام، اموری را نشانه می‌روند که در تقویت و عزت اسلام و مسلمانان نقش اساسی و کلیدی دارند.نشانه رفتن وحدت مسلمانان و عوامل تقرب مذاهب از سوی دشمنان، ارزش آن را مبرهن می‌کند. دشمنان دوست دارند مسلمانان از دین و مذهبشان دست بردارند و با توجه به آیه «وَذُكِّيَتْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ بَرُّوْكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَقَرَأَ حَسْبًا مِنْ عِنْدِ أَنفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ»(بقره/۱۰۹) که خداوند می‌فرماید: «بسیاری از اهل کتاب، از روی حسد آرزو می‌کردند شما را بعد از اسلام و ایمان، به حال فکر بازگردانند؛ این‌یکه حق برای آنها کاملا روشن شده است.» امروز نیز به علت همین صفت می‌خواهند مسلمانان از دین‌شان دست بردارند. یکی از راه‌های اختلاف‌افکنی و دور نگه داشتن مسلمانان از همدیگر، پدیده تکفیر است که از سوی دشمنان اسلام طراحی شده است؛ در حالی که بر اساس معیارهای متفن دین مبین اسلام، هیچ مسلمانی حق ندارد مسلمان دیگری را تکفیر کند؛ زیرا خداوند در قرآن کریم خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که در راه خدا گام برمی‌دارید (و به سفری برای جهاد می‌روید) تحقیق کنید و به کسی که اظهار صلح و اسلام می‌کند نگویید مسلمان نیستی.»(با آیه‌الذین آمنوا و فرزندانیت خدا و رسالت پیامبر، موجب حرمت جان و مال انسان می‌شود. مفسران در شأن نزول این آیه آورده‌اند که پیامبر(ص) بعد از بازگشت از جنگ خیبر، «سالمه بن زید» را با جمعی از مسلمانان به سوی یهودیانی که در یکی از روستاهای فدک زندگی می‌کردند، فرستاد تا آنها را به سوی اسلام یا قبول شرایط ضمه دعوت کنند. یکی از یهودیان به نام مرداس که از آمدن سپاه اسلام با خیر شده بود اموال و فرزندان خود را در پناه کوهی قرقر داد و به استقبال مسلمانان شتافت؛ در حالی که به یگانگی خدا و نبوت پیامبر(ص) گواهی می‌داد. سالمه بن زید به گمان اینکه مرد یهودی از ترس جان و برای حفظ مالش، اظهار اسلام می‌کند و در باطن مسلمان نیست، به او حمله کرد و او را کشت و گوسفندان او را به غنیمت گرفت. هنگامی که خبر به پیامبر(ص) رسید، سخت از این جریان ناراحت شدند و فرمودند: تو مسلمانی را کشتی، سالمه ناراحت شد و عرض کرد: این مرد از ترس جان و برای حفظ مالش، اظهار اسلام کرد. پیامبر(ص) فرمود: تو که از درون او آگاه نبودی، چه می‌دانی؟ شاید براستی مسلمان شده بود. در این موقع آیه فوق نازل شد و به مسلمانان هشدار داد به خاطر غنایم جنگی و مانند آن، هیچ‌گاه انکار سخن کسانی را که اظهار اسلام می‌کنند نکنند، بلکه هر کس اظهار اسلام کرد، باید سخن او را پذیرفت. (الوسی/۱۸، ج۳: ۱۱۶) تکفیری‌ها یا دستنخور خداندن به صراحت مخالف ورزیده و به نام دین اسلام، کسانی را تکفیر می‌کنند و خون آنان را می‌ریزند و اموال‌شان را به غنیمت برده و زنان‌شان را به کنیزی می‌گیرند که نسل در نسل مسلمان بوده‌اند. این رفتار تکفیری‌ها هیچ توجیهی ندارد؛ جز اینکه با شیبتیانی دشمنان اسلام، مذاهب اسلامی را با همدیگر درگیر کرده و مانع تقرب و وحدت مسلمانان شوند. آنها برای ایجاد تنفر در میان پیروان مذاهب اسلامی ابزار و روش‌های گوناگون را به کار می‌برند. رهبر حکیم انقلاب به این پدیده چنین اشاره‌ای دارند: «این شیطانی که حمله می‌کند، همیشه یک جور حمله نمی‌کند. شیطان امروز که از راه اینترنت و ماهواره و روش‌های ارتباطی مدرن و فوق مدرن سراسر شما می‌آید، حرف‌های مدرنی هم دارد؛ سخت‌افزارش را مدرن کرده، نرم‌افزار مدرن هم دارد. شبیه‌آفرینی دارد، اختلال در عقیده دارد، ایجاد تشویش در ذهن دارد، تزریق ناامیدی دارد، ایجاد آفتاب‌نورد دارد. الان دلارهای نفتی دارد یک جاهایی صرف می‌شود؛ بنده خیر دارم، اطلاع دارم. اینجا گزارش‌هایش، غالباً گزارش‌هایی است که پخش نمی‌شود. در بعضی از کشورهای اسلامی مثل رنگ پول می‌ریزند برای اینکه در بین سنی‌ها اجتماع ضعیف درست کنند… از آن طرف هم به یک گوینده به اصطلاح شیعی پول می‌دهند که در تلویزیون، به نام شیعه‌ها مؤمنین عایشه را مهمتر کند، قذف کند، اهانت کند، روش‌ها اینهاست… از کارهای اینها گول نخوریم. اختلاف برای آنها بیشترین و بزرگ‌ترین نعمت است.»(سخنرانی در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۲۰) پیروان شیطان از روش‌های شیطانی استفاده می‌کنند و تا می‌توانند برای بدفرجامی مسلمانان هر وسیله و روشی را به کار می‌برند. شیطان خطاب به خدا گفت: «هن بر سر راه کشور عثمانی که می‌رفتند، یک طور صحبت می‌کردند به ایران شیعی که می‌آمدند، طور دیگر صحبت می‌کردند. هدف‌شان هم به هم ریختن نظام وحدت بود که استعمار اروپا و سردمداران تمدن صنعتی، از آن می‌ترسیدند؛ حق هم داشتند بترسند. کار خودشان را هم کردند و بین مسلمین، اختلاف عمیق و عجیبی را به وجود آوردند. وحدتی که ما اعلام می‌کنیم و شمار می‌دهیم و به آن دلبسته هستیم و دنبال آن، حرکت و کار می‌کنیم، نخستین نقطه‌اش باید ناظر به رفع این تعارض‌ها و تناقض‌ها و اختلاف‌ها و درگیری‌ها باشد که خدای متعال به این راضی است و مؤمنان و مخلصان و اولیا و عقلا از آن خشنودند. باید

تقرب و وحدت در میان مسلمانان از بهترین مصادیق نیکی و پرهیزکاری و اختلاف و بدبینی، روشن‌ترین مصداق گناه و تعدی است. رهبر معظم انقلاب، راهکار بسیار مؤثری در برابر عوامل اختلاف‌افکنی مطرح کرده و فرموده‌اند: «علمای شیعه و سنی با هم جلسه بگذارند، تفاهم کنند، با هم حرف بزنند. آبیروان هر مذهب، عقاید و فقه خود را تدریس کنند! اما کارهای مشترک هم می‌توانند انجام دهند… هر کسی اگر می‌خواهد مذهب خودش، کار خودش را حفظ کند، داشته باشد؛ اگر می‌خواهند بحث مذهبی بکنند، هیچ اشکالی ندارد-من بحث مذهبی را هم قبول دارم- اگر دوست دارند بحث علمی مذهبی بین علما و بین صاحبان فن بکنند، بنشینند این کار را بکنند؛ منتها نه در منظر و مرئی مردم، بلکه در جلسات علمی بنشینند با هم بحث کنند؛ او استدلالش را بگوید، آن استدلالش را بگوید؛ با یکی قانع می‌شود، یا قانع نمی‌شود؛ اینجا اشکال ندارد؛ لیکن به‌رغم همه اینها، یک امر مشترک‌ی وجود دارد؛ یک دردهای مشترک‌ی هست که درمان‌های مشترک‌ی دارد. عالم شیعه در بین مردم خود، عالم سنی در بین مردم خود نفوذ دارند؛ از این نفوذ استفاده کنند، این مشکلات مشترک را برطرف کنند. امروز کسانی هستند که سلاح‌شان تکفیر است؛ ابایی هم ندارند که بگویند ما تکفیری هستیم؛ اینها سمند- این سم را باید از محیط اسلامی خارج کرد.»(سخنرانی در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۲۰) خداوند متعال در آیه «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَنْبَاءِ»(زمر/۱۷ و ۱۸) می‌فرماید: «پس ندانگن مرا بشارت ده! همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند، آنان کسانی هستند که خدا هدایت‌شان کرده و آنها خردمندانند.» با توجه به این آیه شریفه، بحث‌های علمی در میان پیروان مذاهب اسلامی مطلوب قرآن کریم است؛ به شرطی که برای جست‌وجوی حق و انتخاب بهترین باشند و اغراض غیرمعتول را در بر نداشته باشد. به گفته فخر رازی، مفسر مشهور اهل سنت، هدایت و رستگاری بستگی به این دارد که انسان چیزهای زیادی بشنود و از میان آنها، بهترین و صحیح‌ترین را انتخاب کند. روشن است که تمیز بهترین و صحیح‌ترین، بدون شنیدن و بدون به کارگیری عقل و استدلال امکان‌پذیر نیست. (راز،/ ۱۴۲۰، ج۲: ۴۳۷) رهبر معظم انقلاب در این رابطه می‌فرمایند: «در بحث علمی، طبیعی است است که هر کس عقیده‌ای دارد، اثبات آن عقیده، به معنای نفی و رد عقاید دیگری، استدلال بر عقیده خود است. همه اینها مفهوم، قابل درک و قابل تحمل است. همین بحث‌ها هم همیشه دامنه تفکر را گسترش می‌دهد، تعمیق می‌کند و پیش می‌برد؛ مانی ندارد؛ لیکن آنجایی که ۲ گروه، هر دو منتسب به اسلام، و هر دو معتقد به مبانی اساسی واحد در مقابل هم صف‌آرایی می‌کنند تا یکدیگر را امحو کنند، یا ضربه بزنند، یا جرح‌مدار کنند، این فاجعه است؛ ما از این کار بایستی جلوگیری کنیم.»(سخنرانی در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۱) مقام معظم رهبری به عنوان راهکار مؤثر در رفع اختلاف و ایجاد تقرب مذاهب نکاتی را مورد توجه قرار داده‌اند. ایشان می‌فرماید: «در مسأله وحدت، ۲ نقطه یا ۲ جهت‌گیری اساسی وجود دارد که هر کدام به تنهایی، حائز اهمیتند… یکی از این دو نکته، عبارت از رفع اختلافات و تناقض‌ها و درگیری‌ها و تصداهو کارکنشی‌هاست که از قرن‌ها پیش تا امروز، میان طوایف و فرق مسلمین وجود داشته است و همیشه هم این تناقض‌ها به ضرر مسلمین تمام شده است. اگر به تاریخ اسلام برگردیم، خواهیم دید که زمام و مبدأ همه یا قسمت اعظم این تعارض‌ها و تناقض‌ها، به دستگاه‌های قدرت مادی برمی‌گردد. تاریخ اسلام را ملاحظه کنید، مشاهده می‌کنیم به وجود نمی‌آورد. آن حوادث بزرگ، به دستگاه‌ارباب اختلاف‌هایی که در طول زمان، بین فرق اسلامی مخصوصاً در زمان‌های بیشتری بین شیعه و سنی اتفاق افتاده است، تقریباً سرینخ این اختلافات در تمام بلاد اسلامی، دست قدرت‌هاست. البته جهالت‌های عمومی و تعصب‌های غیرمتکی به منطق و تحریک احساسات یکدیگر اثر دارد اما اینها زمینه است و هیچ کدام، آن حوادث خونین بزرگی را که ما در تاریخ مشاهده می‌کنیم به وجود نمی‌آورد. آن حوادث بزرگ، به دستگاه‌ارباب قدرت برمی‌گردد که از این اختلاف، دنبال فایده‌ای می‌گشتند. استعمار که وارد کشورهای اسلامی شد، بعضی مستقیم و بعضی غیرمستقیم، واضح شد که او هم دنبال همین قضیه است. رفتار بعضی از شخصیت‌های معروف اروپایی، چه سیاسی و چه فرهنگی، خیلی عبرت‌انگیز است. به مصر که می‌رفتند، یک طور صحبت می‌کردند به باب عالی کشور عثمانی که می‌رفتند، یک طور صحبت می‌کردند به ایران شیعی که می‌آمدند، طور دیگر صحبت می‌کردند. هدف‌شان هم به هم ریختن نظام وحدت بود که استعمار اروپا و سردمداران تمدن صنعتی، از آن می‌ترسیدند؛ حق هم داشتند بترسند. کار خودشان را هم کردند و بین مسلمین، اختلاف عمیق و عجیبی را به وجود آوردند. وحدتی که ما اعلام می‌کنیم و شمار می‌دهیم و به آن دلبسته هستیم و دنبال آن، حرکت و کار می‌کنیم، نخستین نقطه‌اش باید ناظر به رفع این تعارض‌ها و تناقض‌ها و اختلاف‌ها و درگیری‌ها باشد که خدای متعال به این راضی است و مؤمنان و مخلصان و اولیا و عقلا از آن خشنودند. باید

مستندات قرآنی تقرب از دیدگاه رهبر انقلاب

چرا روی اختلاف مذاهب اسلامی سرمایه‌گذاری می‌کنند؟

- حمیدالله رفیعی زابلی

مقامات و ذمه‌های این کار فراهم شود. اختلاف عقیدتی دارند، داشته باشند؛ اختلاف قومی دارند، داشته باشند؛ تغییر نژادی دارند، داشته باشند. اینها مستلزم و مستوجب تناقض و تعارض و درگیری و جدال بین مسلمین نشود. باید همه مصلخانه کار کنند. علمای بزرگ، متفکران، روشنفکران، نویسندگان، شاعران، هنرمندان، واقعاً این را واجب الهی بدانند. این آیه شریفه قرآن: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» (آل عمران/ ۱۰۳) و آیات دیگر، خطاب به ما و همه مسلمین در مقابل دشمنان اسلام است. به این آیات عمل کنیم. نکته دوم این است که این وحدت باید در خدمت و در جهت حاکمیت اسلام باشد. اگر علمای اسلام قبول می‌کنند که قرآن فرموده است: «وَ ما ارسلنا من رسول الا لیطاع باذن الله» (نساء/ ۶۴)، پیامبر نیامد که نصیحتی بکند، حرفی بزند، مردم هم کار خودشان را بکنند و به او هم احترامی بگذارند آمد تا مورد اطاعت قرار بگیرد، جامعه و زندگی را هدایت کند، نظام را تشکیل بدهد و انسان‌ها را به سمت اهداف زندگی درست پیش ببرد. اگر علمای اسلام قبول دارند که قرآن کریم می‌فرماید: «فقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید/۵۲)، قاضی قسط و عدل و رفق ظلم و ایجاد زندگی صحیح برای بشر، هدف ادیان است، پس باید حرکت به سمت حاکمیت اسلام باشد و حاکمیت اسلام در کشورها و جوامع اسلامی، امری ممکن است.»(سخنرانی در تاریخ ۱۳۶۹/۷/۱۶) همچنین در بیانی دیگر، ایشان معتقدند: «گر در جوامع و کشورهای اسلامی، علماران، روشنفکران، متفکران، بزرگان و پیشگامان وحدت، جهت حرکت‌شان به سمت حاکمیت اسلام باشد، این حرکت، حرکت موفقی است، و الا اگر این طور نباشد و در مقابل حاکمیت طواغیت و کفار و حکومت‌های سرسپرده و بی‌عرضه، تابع و تسلیم باشند، معلوم است که وحدت تضمینی نخواهد داشت. شما از این طرف، شعار وحدت بدهید، جوش بزنید، غصه بخورید؛ از آن طرف، پول‌های بناحق بدل و خرج شده و یک عده آدم سست عنصر قلم به مزد نو کسرفت هم پیدا می‌شوند و اندوخته‌های شما را به باد خواهند داد و رسته‌ها را پنبه خواهند کرد. «مجمع التقرب بین المذاهب الاسلامیه». زمینه‌های تقرب را در جنبه‌های اعتقادی، کلامی، فکری، فقهی، اصولی و علمی فراهم بکند؛ لیکن آن هدف اساسی باید به یاد متفکران اسلام باشد. دشمنان اسلام، این را نمی‌خواهند اما آنچه خدا می‌خواهد، آن خواهد شد. «الله غالب علی امره» (یوسف/ ۲۱)»(سخنرانی در تاریخ ۱۳۶۹/۷/۱۶) مقام معظم رهبری، تقرب بین مذاهب را در ۳ موضوع امکان‌پذیری می‌دانند. ایشان می‌فرمایند: «در مسأله تقرب همان طور که مکرر گفته شده غرض این است که فرقه‌های اسلامی، در مقام فکر و اعتقاد به یکدیگر نزدیک بشوند. ای بسا برخی از تصورات فرق نسبت به یکدیگر، با مباحثه و مذاکره، به استنتاج خوبی منتهی بشود. شاید بعضی از سوءتفاهم‌ها برطرف و بعضی از عقاید تعدیل و بعضی از افکار به طور واقعی به هم نزدیک بشود. البته اگر این بشود، بسیار بهتر از هر شکل دیگر است؛ حداقل این است که روی مشترکات تأکید بشود. این گفت‌وگوها و مذاکرات، کمترین فایده‌اش این خواهد بود، بنابراین باید از طرح مسائل تفرقه‌انگیز خودداری بشود. در مرحله فقهی نیز تباهان نظر بین مذاهب مختلف، در بسیاری از ابواب فقهی، به فسق‌های نزدیک، بلکه واحدی منتهی خواهد شد. بعضی از فرق اسلامی، در برخی از ابواب فقهی، تحقیقات و پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای دارند؛ دیگران می‌توانند از آنها استفاده کنند. گاهی ممکن است در برخی احکام و استنباطات اسلامی از کتاب و سنت، نوآوری‌هایی در اختیار بعضی از فرق اسلامی باشد؛ دیگران از آن استفاده خواهند کرد و به فتاوی نزدیک می‌شوند. این موضوع خواهد رسید. در نهایت و شاید مهم‌تر از همه نتایج تقرب نزدیک عملی است؛ یعنی همکاری مسلمین با یکدیگر، منهای احساس جدایی عقیدتی فرقه‌ای اگر دشمنان بگذارند و اگر ما عاقل باشیم، این امر بسیار ممکن و سهل‌التولای است. پس، این سه مرحله است. هم در مرحله اعتقاد، هم در مرحله احکام فقهی و هم در مرحله همکاری عملی. آنچه اینها را تضمین می‌کند این است که اولاً به توطئه دشمن هوشمندانه نگاه کنند؛ ثانیاً به آن مواردی از اسلام که این تقرب را تضمین می‌کند، بیشتر فکر کنند.»(سخنرانی در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۱)

■ **نتیجه‌گیری**

از آنچه بیان شد، این نتیجه به دست می‌آید که تقرب مذاهب، زمینه‌ساز وحدت است اسلامی است. تقرب و وحدت، خواست خداوند و پیامبر اسلام(ص) است. این پدیده با کمک و تعاون پیروان مذاهب بویژه علمای آنان امکان‌پذیر است؛ چه اینکه عقلاً و شرعاً بین اختلاف در عقاید و مسائل فقهی و اختلاف عملی هیچ ملازمه‌ای وجود ندارد. افزون بر آن، بسیاری از اختلافات و سوءتفاهم‌ها با بحث‌های علمی در حوزه‌های اعتقادی و فقهی مرتفع می‌شود و در نتیجه، افزون بر اینکه نسبت به عقاید همدیگر خالی از اتهام و نسبت‌های ناروا به صورت واقع‌گرایانه آشنا می‌شوند، منافذ اختلاف‌افکنی را بر روی دشمنان اسلام می‌بندد و منفعت معنوی و مادی آن نصیب همه مسلمانان می‌شود.

منبع: فصلنامه **حبل المتین**

